

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران – توفان

۱۹ اگست ۲۰۱۴

زنده باد دلاوری خلق فلسطین چه کسی خواهد من و تو ما نشویم، خانه اش ویران باد

بعد از هفته ها بمباران محله های مسکونی، خانه های محقر مردم در نوار غزه از راه دور، کشتار فلسطینی ها در خواب و بیداری... رژیم صیہونیستی اسرائیل، در روز هشتم جولای سال جاری میلادی، حتماً با چراغ سبز ناتوچی ها، با موافقت امپریالیسم امریکا و شرکاء، بر آن شد تا سرزمین غزه اشغالی را دوباره « اشغال کند »! این جنایت آشکار، نقض موازین شناخته شده بین المللی، قطعنامه های تا کنونی سازمان ملل... برای سیاست بازان حرفه نی غرب – اوباش « منتخب »! اوباما و مرکل و کامرون و اولاند... اصلاً غریب نیست. به زعم حضرات، گویا دولت تقلبی و اشغالگر اسرائیل از « امنیت خود دفاع می کند »! بگذریم از این که اسرائیل تنها کشور بدون مرز دنیاست. امنیت صیہونیسم حدود و ثغور ندارد...

دوردانه غرب در خاورمیانه

همین چند سال پیش بود که اسرائیل عنان از کف داد... قوای کمکی فرستاد و نوار غزه را برای چندمین مرتبه «فتح کرد »! همزمان، بهانه تراشید و به لبنان لشکر کشید... اهالی این مرز و بوم را هم، از زمین و هوا و دریا، به زیر آتش گرفت. ولی غربی ها، امریکا و اروپا، انگار نه انگار، هیچ بر روی مبارک نیاوردند. اوباش « متمدن »! سکوت کردند. دنیای « آزاد »! خفقان مرگ گرفت. موی دماغ اسرائیل نشدند... مثل این که ناتو چی ها، حامیان پشت پرده فاشیسم و نازیسم در دوره های منقضی، دلاوری خلق فلسطین و مقاومت جانانه مردم لبنان را انتظار نداشتند... تا این که کار بیخ پیدا کرد. اسرائیل در لبنان گیر کرد – که قیامت شد. از این پس بود که صدای راهزنان قدیمی و جدید در آمد. نجات اشغالگر را در دستور کار قرار دادند. جورج بوش صغیر، تونی بلر و... طبق معمول و بیشرمانه از اقدامات « دفاعی » اسرائیل در قبال « مسلمانان » شورش حمایت کردند. شیراک و شرکاء، المان و هالند و بلجیم و دنمارک... به پای توجیه لشکرکشی رژیم صیہونیستی اسرائیل رفتند. بیخود نبود که ارتش مفسران سفارشی فعال شد تا هماهنگ با نیاز فوری کارتل های امریکائی و اروپائی حقایق را دستکاری کند، موهوم بخورد افکار عمومی بدهد

قوم « برگزیده »! زیر سایه قیم تروریست

خبر فروشان و نظر چپانان باختری، تحریف کنندگان حرفه نی تاریخ، دیروز مثل امروز، مدعی شدند که اسرائیل به خاطر نجات دمکراسی بود که با انواع سلاح های پیشرفته امریکائی و اروپائی به جان همسایه های « نا اهل »! به فکر سلاخی آشکار عناصر « ناباب »! در خاورمیانه افتاد. نوعی « مسلمان » کشی در فلسطین و لبنان به راه انداخت. گوشمالی « حماس »! در فلسطین بی در و پیکر، خلع سلاح « حزب الله »! در کشور مستقل لبنان را در دستور کار گذاشت. ولی به یمن گواهی شاهدان عینی، اعتراضات پی در پی هواداران صلح و آزادی در سطح بین المللی حقایق برملا شد. معلوم شد که « قوم و قیم » در سنگر واحدی شمشیر می زنند...

خیالات « نا واردان »!

این که امپریالیسم امریکا در این « مسلمان » کشی تهور آور دست نداشت، اروپا با نقشه شوم اسرائیل آشنا نبود و « غافلگیر شد »! حرف مفتی است ناشی از دریافتی احمقانه یا ریاکارانه از رویدادهای جاری در خاورمیانه. دلائل و شواهد زنده ای وجود دارد مبنی بر این که طرح گوشمالی خلق فلسطین به نام « حماس »! در فریاد انتخابات پارلمانی ۲۵ جنوری سال ۲۰۰۶ میلادی در فلسطین ریخته شد. نقشه خلع سلاح « حزب الله لبنان »! یعنی بیش از یک سوم جمعیت لبنان، مهمترین جزء قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت سازمان ملل بود. این طرح ها و نقشه های امپریالیستی، رنگ و لعاب امریکائی و اروپائی دارند – با بوی گند ناتو.

مشکلات عدیده « اتحادیه بین المللی »! مشکلات فزاینده ناتوچی ها، مالی و تجاری و صنعتی در اوضاع و احوال جاری، نسبه خوری امپریالیسم امریکا در دوران معاصر که برکسی پوشیده نیست. دیری است که سرمایه داری، خاصه نوع غربی آن، با کاهش مواد خام و انرژی، درد بی درمان تنزل نرخ سود و انباشت سرمایه روبه روست. پیشرفت دیگران، بیداری آسیا و افریقا و امریکای جنوبی، برآمد نسبتا نیرومند چین و هند و روسیه و برزیل و مکزیک و... را بر نمی تابد. کنترل انحصاری بر منافع نفت و گاز خاورمیانه، تسلط بر تنگه ستراتیژیک هرمز را خواب می بیند. خیال بازگشت به دوران استعمار کهن را در سر دارد. خواهان حکام « اهلی »! چاکران مطیع در خاورمیانه است.

همین رجاله ها، ناتوچی ها، دول تروریستی غرب بودند که ماهها پیش از ماجراجویی اسرائیل تمام راههای ارتباطی با فلسطین را بستند. جلوی فعالیت ارگانهای منتخب اهالی در این سرزمین را گرفتند. ارسال مواد مصرفی لازم برای مردم... آب و غذا و دوا برای بچه های فلسطینی را اجازه نمی دادند... از پیش برای خلق فلسطین جواز دفن صادر کردند. برای بلعیدن لبنان نقشه داشتند. به خاطر اشغال سوریه کلی تدارک دیده بودند.

اشغالگری صیهونیسم در خاورمیانه

بیش از ۶۰ سال از اشغال وتاراندن میلیونها فلسطینی از سرزمین آباء واجدادیشان می گذرد. در ادامه این اشغالگری اسرائیل در سال ۱۹۶۷ میلادی رژیم صیهونیستی اسرائیل، گویا بدون اطلاع ناتوچی ها، صلاحدید امپریالیسم امریکا... سیاست غنیمت گیری جدیدی در پیش گرفت. با جنگ شش روزه در قبال مصر و سوریه و اردن – نوار غزه، کرانه های رود اردن، صحرای سینا، بلندیهای جولان و شرق بیت المقدس را اشغال کرد و بعد از ترک مخاصمه هم، خلاف رأی شورای امنیت سازمان ملل مبنی بر لزوم تخلیه فوری سرزمین های اشغالی، موضوع قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت، حاضر نشد غنائم را پس بدهد:

الف) مصر به سال ۱۹۷۰ میلادی، بد یا خوب، خرج خود را از امپراتوری شوروی به کلی جدا کرد. در مدار امپریالیسم امریکا و در پناه ناتو بود که با اسرائیل کنار آمد و صحرای سینا را جایزه گرفت. چندی بعد پادشاهی اردن هم به راه مشابهی رفت و آرام گرفت. ولی دولت بعثی سوریه، چون پوشش حفاظتی خود را عوض نکرد... موفق نشد که بلندی های جولان را از اسرائیل پس بگیرد و نگرفت. حال آن که سازمان ملل این اشغال را مردود شناخته... متن اسناد رسمی خود را عوض نکرده و هنوز هم بلندی های اشغالی جولان را قسمتی از خاک سوریه می داند.

ب) به موجب قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل، مصوب ۲۹ سپتمبر سال ۱۹۴۷ میلادی، مبنی بر تقسیم سرزمین واحد فلسطین میان دو دولت مستقل، می بایست دولت ملی فلسطین نیز در تاریخ اول اکتوبر سال ۱۹۴۸ میلادی در جغرافیای نوار غزه و کرانه های رود اردن و شرق بیت المقدس تأسیس می شد، که نشد. اسرائیل با اشغال نوار غزه و کرانه های رود اردن و شرق بیت المقدس به سال ۱۹۶۷ میلادی، گویا «خودسرانه»! این قطعنامه سازمان ملل را به هیچ گرفت و حق شناخته شده خلق فلسطین را باطل و تأسیس دولت ملی فلسطین را اجازه نداد.

فتح دوباره نوار غزه، لشکرکشی مجدد به لبنان

گفتیم که اسرائیل نوار غزه را دوباره «فتح کرد»! در این ماجراجویی تکراری و تهوع آور، اسرائیل روزهای متوالی تمام مناطق مسکونی در نوار غزه را بمباران کرد. تعداد زیادی از مردم، زن و مرد، پیر و جوان، بچه های قد و نیم قد را به خاک انداخت. انبوهی از فلسطینی ها را زنده زنده، در زیر خروارها خاک و سنگ و چوب و آجر و آهن مدفون و مابقی را هم در سرزمین خودشان، به اسارت گرفت. تأسیسات برق و منبع آب آشامیدنی اهالی را از میان برد. مراکز درمانی و امدادی و آموزشی را به کلی از کار انداخت. ارگان های مسؤول را درهم کوبید. شماری از دولتمردان منتخب مردم را ربوده و آنان را، به خاطر تنبیه خلق فلسطین، در محلی نا معلوم زندانی کرد. در یک کلام، فلسطین را، بیش از پیش، ویران کرد... فلسطینی ها را به جرم استقلال خواهی، برای چندمین بار به خاک و خون کشید...

به لبنان لشکر کشید... بدون لحظه ای توقف در کشتار مستمر فلسطینی ها، همزمان اهالی لبنان را هم، از زمین و هوا و دریا، به زیر آتش گرفت. تا چند هفته متوالی مناطق مسکونی لبنان را درهم کوبید، منازل مردم را ویران و انبوهی را زنده به گور کرد، صدها هزار نفر را آواره ساخت، پلها و جاده ها را از میان برد. منابع برق و آب آشامیدنی... تنها کارخانه مواد لبنی لبنان، مزارع زیر کشت و کارگاههای محصولات مصرفی، مغازه و بقالیهای خرده فروشی، فرستنده رادیو و تلویزیون لبنان، مدارس و بیمارستان ها، مراکز امدادی و اداری، بناهای قدیمی و جدید دولتی، تمام وسائل لازم زندگی روزمره مردم لبنان را به کلی نابود کرد.

مجری ستراتیژی ناتو در خاورمیانه

به زعم محافل پر نخوت غربی، ناتوچی ها، گویا رژیم صهیونیستی اسرائیل در این «جنگ»! فقط تا حدودی زیاده روی کرد. با کشاندن «جنگ»! به سرزمین لبنان مرتکب «خطا شد»! گویا اسرائیل، درست مثل ماجراجویی امپریالیسم امریکا و شرکاء در یوگسلاوی و افغانستان و عراق، خاور میانه را در مسیری «نا معلوم»! کوبید و صاف کرد.

می گویند « جنگ »! ولی فلان فلان شده ها، کدام « جنگ »؟ سخن بر سر قتل عام فلسطینی ها در خواب و بیداری، کشتار بچه های ده دوازده ساله است. بر سر بمباران یکماهه لبنان از ارتفاع چند صد کیلومتری، انهدام وسائل زیست جمعی یک خلق، نابودی ابزار کار و معیشت یک ملت، خلقی غیر نظامی، ملتی فاقد امکانات لازم دفاعی، با توپ و تانک انگلیسی و المانی، با فانتوم امریکائی و میراژ فرانسوی است... این که جنگ نیست. یک آدم کشی با برنامه به سیاق نازی ها، نوعی قتل عامی حساب شده، یک جنایت آشکار و سازمان یافته است. قرائن نشان می دهد که پای ستراتیژی ناتو در میان بود. همان ستراتیژی که در یوگسلاوی و افغانستان پیاده شد، توسط امپریالیسم امریکا و شرکاء در عراق به اجراء درآمده بود.

اصل و نسب سازمان تروریستی ناتو

ناتو یا همان سازمان پیمان اتلانتیک شمالی، یک اتحادیه نظامی فراملی است که به سال ۱۹۴۹ میلادی با فرماندهی امپریالیسم امریکا - برای درهم کوبیدن دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، اختناق جنبش کارگری در کشورهای خودی و نابودی جنبش های استقلال طلبانه خلق ها و ملت ها در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره بوجود آمد. اما این اتحادیه نظامی فراملی، تروریستی و مخرب، به کجا وصل است؟ به محافل غربی، منابع مالی امریکائی و انگلیسی و المانی و فرانسوی و هالندی و بلجیمی... به بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، سازمان تجارت جهانی، به نفتی ها، سوداگران مرگ و نیستی، سازندگان و فروشندگان امریکائی و اروپائی انواع سلاح های کشتار جمعی...

اینها هستند که افسار سازمان تروریستی ناتو، افسار دولت تقلبی اسرائیل را در دست داشته و دارند. به نام نوعی «آزادی»! خلق ها را درهم می کوبند. نوعی «دمکراسی»! ملت ها را به خاک و خون می کشند. به تناسب نیاز فوری انحصارات خودی طرح می ریزند. براساس منافع ستراتیژیک محافل مالی و صنعتی، سلاطین بورس و تسلیحات و مستغلات... نقشه می کشند. در باره مسائل کلیدی حرف آخر را می زنند. ملت قهرمان فلسطین درچنین شرایط بغرنج جهانی به پیکارش برای کسب استقلال ملی ادامه می دهد. موضع گیری های سیاسی چپ اندر قیچی نه سیخ بسوزد نه کباب»، نه به دوطرف درگیر جنگ!! یک جهت گیری سیاسی ارتجاعی و ترنسکیستی است. کسی که ریگی درکفش ندارد باید به طور روشن و شفاف وبدون اما واگر، متجاوزجنگ طلب فاشیست را محکوم کند واز قربانی به دفاع برخیزد. مبارزه قربانی که خلق تحت ستم و اشغال فلسطین است با هرابزار و وسیله ای مبارزه ای مشروع ودفاع ازخود است، صرف نظر از این که ظاهری سکولار، مذهبی و یا سوسیالیستی داشته باشد. به این دردانه غرب باید پاسخ دندان شکنی داد.

نقل از توفان الکترونیکی شماره ۹۷ نشریه الکترونیکی حزب کارایران مرداد ماه ۱۳۹۳

www.toufan.org